

Cite the article: Maleki Oskouei, M.T., Salarinejhad, A. (2025). Feasibility Study of Establishing Congruence in Islamic Financial Reporting with International Financial Reporting Standards. *Journal of Accounting, Auditing and Finance in islamic enviroments*, 2(5), 132-155.

Feasibility Study of Establishing Congruence in Islamic Financial Reporting with International Financial Reporting Standards

Malektaj Maleki Oskouei ¹, Abdolhosein Salarinejhad ²

1. Department of Accounting, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author) (m_oskouei@iau-tnb.ac.ir)
2. PhD student of Accounting, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (salari13935@gmail.com)

ABSTRACT

Received: 18/02/2024 - Accepted: 02/06/2024

Islamic financing is growing rapidly in the world. The proper performance of Islamic finance in financial crises has led to increasing attention to this method of managing financial assets, which has promoted from 1 trillion dollars in 2011 to 3.4 trillion dollars in 2020. This has caused many international financial institutions, even non-Islamic financial institutions, to create 'windows' offering Islamic financial services in order to benefit from the lucrative Islamic financial market. In this vein, there are differences between Islamic accounting and conventional accounting that create disparities in identification, disclosure and reporting of transactions provided by the Islamic financial system from conventional financial systems that results in the reduction of the comparability of financial reports. Considering the broad use and acceptance of international financial reporting standards, it is necessary to create congruence between Islamic and conventional financial reporting. In this article, issues related to Islamic reporting that have caused the difference between Islamic financial reports and conventional ones (time value of money, substance over form, accounts based on mudarabah, and leasing and sukuk) were examined and the possible congruence between these reports was argued. The results of the investigations shows that in the most issues, it is possible to make congruity between two types of reporting systems and the forming of joint working groups between the two systems and conducting further research on controversial issues (especially accounts based on mudarabah) can solve the problem of incongruity between them.

Keywords: Islamic Accounting, Islamic Financial Reporting, International Financial Reporting Standards

امکان سنجی ایجاد همگرایی در گزارشگری مالی اسلامی با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی

ملک تاج ملکی اسکویی^۱، عبدالحسین سالاری نژاد^۲

۱. گروه حسابداری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (m_oskouei@iau-tnb.ac.ir)
۲. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (salari13935@gmail.com)

چکیده

در دنیای معاصر، تأمین مالی اسلامی رشد سریعی دارد. عملکرد مناسب مالی اسلامی در بحران‌های مالی، افزایش توجه به روش مدیریت دارایی‌های مالی را در پی داشته و دارایی مدیریت شده توسط مالی اسلامی، از ۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۱ به ۳.۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. این امر سبب ایجاد پنجره‌های ارائه خدمات مالی اسلامی توسط بسیاری از مؤسسات بین‌المللی — حتی مؤسسات مالی غیراسلامی — به منظور کسب منفعت از بازار پرسود مالی اسلامی شده است. در این میان، تفاوت‌هایی بین حسابداری اسلامی و حسابداری متداول در زمینه شناسایی، افشا و گزارشگری ارقام مندرج در گزارش‌های مالی ارائه شده توسط سیستم مالی اسلامی با سیستم مالی متداول وجود دارد که به کاهش قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی منتهی گردیده است. با توجه به گسترش استفاده و پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، ایجاد همگرایی بین گزارشگری مالی اسلامی و گزارشگری مالی متداول، ضروری است. لذا، این مقاله موضوعات مورد تفاوت بین گزارشگری مالی اسلامی با گزارش‌های مالی متداول را که شامل ارزش زمانی پول، رجحان محتوا بر شکل، حساب‌های مبتنی بر مضاربه، اجاره به شرط تملیک و صکوک است، مورد توجه قرار داده و امکان ایجاد همگرایی بین آن‌ها را بررسی می‌کند. نتیجه بررسی‌ها نشان داد در بیشتر موضوعاتی چون ارزش زمانی پول، رجحان محتوا بر شکل، امکان همگرایی بین این دو نوع نظام گزارشگری وجود دارد و تشکیل کارگروه‌های مشترک و انجام تحقیقات بیشتر در موضوعات اختلافی، به خصوص حساب‌های مبتنی بر مضاربه، می‌تواند مشکل عدم همگرایی بین دو نظام گزارشگری را تا حد زیادی حل کند.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۳/۱۳

کلیدواژه‌ها: حسابداری اسلامی، گزارشگری مالی اسلامی، گزارشگری مالی بین‌المللی

مقدمه

برخی از ناظران صنعت مالی معتقدند اگر اصول مالی اسلامی به طور گسترده‌ای استفاده می‌شد، فروپاشی جهانی در بازارهای مالی اتفاق نمی‌افتاد. این فرضیه به این دلیل برجسته می‌شود که فقدان نظم محافظه کارانه ذاتی که اساساً سنگ بنای مالی اسلامی است، به طور کاملاً واضحی در طی بحران مالی جهانی، مشهود بود (بابر^۱، ۲۰۱۸). چیزی که آشکار است این است که مالی اسلامی کاملاً انعطاف پذیر است و در سطح بی نظیری به رشد خود ادامه داده است. بر اساس مندرجات مجله بنکر، در سال ۲۰۱۱ دارایی‌های مدیریت شده توسط مالی اسلامی به یک تریلیون دلار افزایش یافته است، در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۳.۴ تریلیون دلار رسیده است. بازارهایی مانند مالزی، خلیج فارس، پاکستان و اندونزی در این فضا پیشتاز بوده‌اند. رشد ابزارهای مالی، منعکس کننده اصول پیمانکاری و مالی بر اساس احکام اسلامی (شریعت)، یکی از نکات برجسته در حوزه مالی و اقتصادی در دهه‌های اخیر بوده است. این ابزارها اغلب مطابق با شریعت نامیده می‌شوند و سبب شده است مالی اسلامی^۲ به عنوان یک شاخه جدید صنعت مالی ظهور کند. مؤسسات مالی اسلامی در بسیاری از کشورهای با اکثریت مسلمان و بسیاری از کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده، فعالیت و ابزارهای خود را ارائه می‌کنند (ابراهیم و عبدالفتاح^۳، ۲۰۲۱). به واسطه تغییرات عملگراییانه و ابداعی نظارتی، حضور مالی اسلامی در سایر کشورها مشهودتر است. بسیاری از اقتصادهای کشورهای غیراسلامی در حال ارائه مبالغ قابل ملاحظه‌ای از تسهیلات مالی اسلامی است. در این زمینه، انگلستان و ایرلند پیشتاز هستند. این موضوع در افزایش تعداد مؤسسات مالی و همچنین خدمات اختصاصی حرفه‌ای شرکت‌ها در زمینه راهکارهای مالی اسلامی نمایان است. به طور مشابه، مؤسسات مالی غیراسلامی و چندملیتی هم در حال پیشنهاد و ارائه محصولات سازگار با نظام مالی شریعت می‌باشند که این تلاشی به منظور بهره‌برداری از تقاضای فزاینده بازار، فرصت‌های سرمایه‌گذاری جایگزین و فرایندهای جدید

1. Baber
2. Islamic Finance
3. Ebrahim & Abdelfattah

ارزیابی مالی است (مولیانی و نورانی^۱، ۲۰۱۸).

مؤسسات مالی اسلامی مانند سایر مؤسسات عادی، تحت یک سیستم مالی بین‌المللی کار می‌کنند و استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی آن‌ها برای تصمیم‌گیری‌های مشابه، مانند بانک‌های غیراسلامی از این اطلاعات استفاده می‌کنند. بنابراین، به دلایل رقابتی و یا هدف‌های رتبه‌بندی، بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی ترجیح می‌دهند از روش حسابداری بین‌المللی، یعنی حسابداری مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۲، استفاده کنند. با این حال، تعریف مالی اسلامی متمایز از مالی غیراسلامی است. به دلیل وجود تفاوت‌های مهم، بسیاری از کشورها از مؤسسات مالی اسلامی می‌خواهند که این تفاوت‌ها را در عمل اعمال کنند و صرفاً بر مبنای استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، کار نکنند. این حقیقت که مؤسسات می‌توانند یک رویداد مشابه را به روش‌های مختلفی شناسایی، افشا و گزارش کنند برای آن‌ها در زمان اعمال تغییرات مالی اسلامی، مشکل ایجاد می‌کند (طییبی و حجازی، ۲۰۱۰^۳). استانداردهای غربی به علت ماهیت و نحوه استفاده از ابزارهای مالی برای بکارگیری توسط مؤسسات مالی اسلامی مناسب نیستند (گاپتا^۴، ۲۰۱۵). برای نمونه، در نظام گزارشگری مالی اسلامی، برخلاف مدل‌های غربی، علاوه بر اینکه باید افشا در بُعد کسب ثروت (همان درآمد) و سود انجام شود، ضروری است در توزیع ثروت و سود نیز افشا صورت پذیرد (رجبی مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). این موارد و سایر موارد مرتبط، بخصوص زمانی که فعالان بازار خواهان ارزیابی مؤسسات مالی اسلامی هستند و یا با یکدیگر و با مؤسسات غیر اسلامی دیگر مقایسه می‌شوند، سبب افزایش ابهام می‌شود و مشکل را شدت می‌بخشد (شرایری^۵، ۲۰۲۱).

-
1. Mulyany, Ratna & Noraini
 2. International Financial Reporting Standards (IFRS)
 3. Tayyebi & Hijazi
 4. Gupta
 5. Sharairi

موارد تفاوت عمده بین حسابداری اسلامی و حسابداری متداول

گزارشگری مالی در مالی اسلامی

نیازهای اطلاعاتی گروه‌هایی که از صورت‌های مالی مؤسسات مالی اسلامی و سایر مؤسسات استفاده می‌کنند، اغلب یکی است، با وجود این، بر اساس الزام‌های شریعت، نیازهای صورت‌های مالی مؤسسات مالی اسلامی بیشتر است. (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰). در واقع، مشکل گزارشگری مالی متداول که بر پایه اقتصاد سرمایه‌داری بنا شده این است که نمی‌تواند حقوق ذینفعان و ذیحقان مختلف را به درستی نشان دهد و همگان را از حرکت واحد تجاری بر مدار عدالت اجتماعی، انصاف و رعایت حقوق دیگران مطمئن سازد (شیبلی عبدالله^۱، ۲۰۱۸). در حال حاضر، حرفه حسابداری از نظر درستی و عادلانه بودن افشا، آسیب دیده و باید بر اساس تعالیم قرآن و سنت پیامبر(ص)، نقش حسابداران امین در ارائه گزارش‌های حسابداری بر مبنای مفهوم «دیدگاه درست و عادلانه» بیشتر شود (شوکت آمر^۲، ۲۰۱۷). در این زمینه، باید به این نکته توجه کرد که استانداردهای حسابداری مالی بین‌المللی در بیش از ۱۰۰ کشور جهان استفاده می‌شوند و به منظور استفاده در قالب حسابداری متداول، بنا شده‌اند. بنابراین، به کارگیری این استانداردها برای مواردی که مالی اسلامی فاقد آن‌هاست، به بروز ابهام و تفاوت برداشت منجر خواهد شد.

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۳ به این نیاز پاسخ داد و استانداردهای گزارشگری برای مؤسسات مالی اسلامی را منتشر کرد و از طریق آن، ظرافت‌های معاملات مالی اسلامی را به منظور تأمین نیازهای گزارشگری مالی مؤسسات مالی اسلامی، در نظر گرفت. با این حال، گستره نفوذ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی تاکنون به مناطقی محدود بوده که این استانداردها در بین مؤسسات مالی اسلامی مورد قبول واقع شده و به کارگیری آن‌ها در عرصه بین‌المللی، یکپارچه و یکنواخت نیست. در حقیقت، استانداردهای حسابداری اسلامی تدوین شده توسط سازمان حسابداری و

1. Shibly

2. Shaukat

3. The Accounting and Auditing Organisation for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، مورد پذیرش جهانی واقع نشده‌اند (شرایری، ۲۰۲۱). با این حال، تمایل فراگیری در مؤسسات مالی اسلامی به رقابت با شرکت‌های غیراسلامی مالی وجود دارد. بنابراین، گزارش‌های مالی باید قابل مقایسه باشند و به منظور رقابت در یک منبع مالی مشابه، باید اطلاعات ناشی از گزارشگری مالی مؤسسات مالی اسلامی، با گزارش‌های مالی سایر مؤسسات قابل مقایسه باشد. بسیار حیاتی است که تحلیل‌گران بتوانند آن‌ها را با سایر رقبای غیراسلامی‌شان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی مقایسه و آن‌ها را رتبه‌بندی کنند (شرایری، ۲۰۲۱).

ارزش زمانی پول

بر اساس مفهوم ارزش زمانی پول به دلیل ظرفیت بالقوه در آمد، دریافت مبلغی زودتر، به دریافت دیرتر ترجیح دارد. این مفهوم بر این فرض استوار است که وجوه موجود را می‌توان با نرخ بازده مثبت سرمایه‌گذاری کرد و در طول زمان مبلغ قابل توجهی پول تولید کرد (اپریانترو و رسیادی^۱، ۲۰۲۳). نرخ بهره در محاسبه ارزش زمانی پول نقشی اساسی دارد، نرخ بهره به ما این امکان را می‌دهد که ارزش جریان‌های نقدی دریافتی (یا پرداخت‌شده) را در یک زمان معین به زمان دیگری تنظیم کنیم (تاریگان و ماواردی^۲، ۲۰۲۴). ارزش زمانی پول را می‌توان با استفاده از دو روش با نرخ بهره ساده و مرکب حساب کرد. بهره ساده فقط بر اساس مبلغ سرمایه محاسبه می‌شود و هیچ بهره‌ای در طول دوره بهره محاسبه نمی‌شود. با فرمول بهره ساده، بهره به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$F = P * (1 + i * n)$$

در محاسبه بهره مرکب، مجموع سرمایه و بهره دوره قبلی به عنوان سرمایه دوره آتی، برای هر دوره محاسبه می‌شود. با فرمول بهره مرکب، بهره به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$F = P * (1 + i)^n$$

که در فرمول‌های فوق

F بهره:

P سرمایه:

n نرخ بهره:

n دوره سرمایه گذاری:

در محاسبه ارزش زمانی پول در دنیای واقعی معمولاً از نرخ بهره مرکب استفاده می‌شود (کنبولوت^۱، ۲۰۲۳)

مفهوم ارزش زمانی پول در اقتصاد و مالی متداول جایگاه ویژه‌ای دارد و استفاده نکردن از آن می‌تواند در موارد زیر مشکل ایجاد کند:

۱. اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌های ایجادشده از طریق معاملات مالی اسلامی، به‌ویژه در غیاب بازارهای فعال.

۲. گزارشگری مالی بر اساس ارزش روز مستلزم تبدیل داده‌های تاریخی با استفاده از نرخ تنزیل برای به‌دست‌آوردن تقریبی از ارزش بازار است. هرچند نرخ بهره به‌وضوح به‌خودی‌خود هزینه بهره را تشکیل نمی‌دهد، اما تنزیل و ارزش زمانی پول به‌طور کلی با توجه به نرخ‌های بهره، محاسبه می‌شود.

۳. تنزیل جریان‌های نقدی ارزشیابی اوراق بهادار، ارزیابی و قیمت‌گذاری پروژه‌های اقتصادی، تعیین مقدار بهینه تخصیص منابع برای طرح‌های اقتصادی، تعیین نرخ بهره وام و تعیین نرخ تنزیل دیون (تولمی و همکاران، ۱۴۰۲).

از طرفی، ممنوعیت مشارکت در معاملات مبتنی بر بهره، در امور مالی اسلامی نقش اساسی دارد و نمی‌توان از ارزش زمانی پول در محاسبات مالی اسلامی استفاده کرد. در اسلام، ربا حرام است. ربا در قرآن کریم حداقل در ۹ آیه به‌وضوح بیان شده است. این مسئله از معدود موضوعاتی است که آیات متعدد قرآن کریم به آن پرداخته است. همچنین، حرمت ربا در روایات گسترده از معصومین (ع) نقل شده که عده‌ای معتقدند حتی به سر

1. Canbulut

حدّ توأتر می‌رسد و نیز از جمله ضروریات دین مبین اسلام به‌شمار می‌رود. بی‌تردید، تحریم ربا اهمیت زیادی دارد (زنگنه و غفاری فرد، ۱۴۰۲).

با تحقیق بیشتر و دقیق‌تر در مفهوم ارزش زمانی پول درمی‌یابیم که در ادبیات اسلامی، بین ارزش زمانی پول و ارزش پولی زمان، تفاوت وجود دارد و استفاده از ارزش زمانی پول در مواردی مجاز است. برای نمونه، استفاده از ارزش زمانی پول برای فعالیت‌های تجاری (مانند بیع و اجاره) مجاز است، ولی برای فعالیت غیرتجاری (مانند قرض) قابل استفاده نیست (تولمی و همکاران، ۱۴۰۲).

درباره ارزش‌گذاری‌های دارایی‌ها و بدهی‌ها نیز تأکید استانداردهای حسابداری اسلامی بر استفاده از ارزش منصفانه (بر اساس تعریف ارائه‌شده در سال ۲۰۱۰ توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی) است که استفاده از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری این دارایی‌ها و بدهی‌ها در تمامی مواقع، به‌ویژه در مواردی که بازارهای فعال و مکانیسم‌های قیمت بازار مربوطه به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی آن مقادیر وجود داشته باشد، مناسب خواهد بود (الجدایی، ۲۰۱۴).

از آنجا که بازارهای شریعت نسبت به بازارهای غیراسلامی ویژگی نقدشوندگی کمتری دارند، این اجماع وجود دارد که مدل‌های جریان نقدی تعدیل‌شده در صورت نبود قیمت مستقیم بازار، وسیله‌ای برای ارزیابی باشد (تولمی و همکاران، ۱۴۰۲).

رجحان محتوی بر شکل

یک مفهوم کلیدی که از لحاظ تاریخی در بسیاری از چارچوب‌های گزارشگری مالی گنجانیده شده است، رجحان محتوا بر شکل است که به موجب آن یک معامله مطابق با محتوای اقتصادی و نه شکل قانونی آن، اندازه‌گیری و گزارش می‌شود. از آنجا که معاملات مالی اسلامی از نظر قانونی بر اساس اصول شریعت تعریف شده است، گاهی اوقات استدلال می‌شود که استفاده از اصل رجحان محتوا بر شکل برای چنین معاملاتی نامناسب

است، زیرا این شکل قانونی اسلامی است که در نهایت رویه حسابداری را تعیین می‌کند (ابراهیم و عبدالفتاح^۱، ۲۰۲۱). این تضاد به‌ویژه در حسابداری حساب‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر مضاربه (یعنی حساب‌های سرمایه‌گذاری اشتراک‌گذاری سود)، ذخایر برابری سود و معاملات اجاره، برجسته است. با این حال، از نظر مفهومی، بسیاری از متخصصان بر این باورند که گزارش محتوای اصلی و واقعی یک معامله برای ارائه مفیدترین اطلاعات برای کاربران، بسیار مهم است (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰).

اگرچه حفظ قالب مناسب، یک الزام شرعی است؛ تحقق محتوا الزامی حیاتی‌تر برای قانون شریعت است. در واقع، بررسی دقیق ادبیات حقوق اسلامی این حقیقت را آشکار خواهد کرد که در قراردادها، صورت برای حفظ ماهیت است. در بسیاری از کاربردهای فقهی، قابل توجه است که مکاتب حقوق اسلامی به‌نحوی برخی از جنبه‌های شکل عقد را به‌خطر انداخته‌اند، اما هرگز جوهر یا روح قرارداد را به‌خطر نینداخته‌اند (ابراهیم و عبدالفتاح، ۲۰۲۱). برای نمونه، استفاده از مفهوم رجحان محتوا بر شکل در طبقه‌بندی اجاره‌ها از منظر فقهی بلامانع است و علت اختلاف بین رویکرد اسلامی و رویکرد متداول در اجاره سرمایه‌ای این است که شریعت اجاره سرمایه‌ای را ترکیبی از دو نوع معامله می‌داند که بر اساس اصل رجحان محتوا بر شکل، باید به‌صورت جداگانه ثبت شوند:

۱- اجاره در تمام مدت تصدی؛

۲- بیع، زمانی که عقد (قرارداد) انتقال دارایی اجاره (هامور^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

مسائل معاملاتی خاصی وجود دارد که استفاده از مفهوم رجحان محتوا بر شکل در آن‌ها مهم است، اما مهم‌تر این است که گزارش با این فرض کلی تهیه شود تا اطمینان حاصل گردد که راهنمایی و درک مناسبی برای ذینفعان در این زمینه که هیچ تناقضی با روح مالی اسلامی در معاملات وجود ندارد. با رعایت این اصل می‌توان از مفهوم رجحان محتوا بر شکل استفاده کرد (ابراهیم و عبدالفتاح، ۲۰۲۱).

¹ Ebrahim and Abdelfattah

² Hamour

حساب‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری مضاربه

یک روش تأمین مالی، مبتنی بر سرمایه است که در آن سرمایه‌گذاران برای یک نماینده خاص که هم به‌عنوان شریک و هم مدیر شرکت تجاری عمل می‌کند، تأمین مالی می‌کنند. نماینده تخصص حرفه‌ای، مدیریتی و فنی را برای شروع و راه‌اندازی سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد. سود حاصل از راه‌اندازی شرکت، بر اساس یک نسبت از پیش توافق‌شده، بین دو طرف تقسیم می‌شود، در حالی که تمام زیان توسط سرمایه‌گذار جذب می‌شود (ابراهیم و عبدالفتاح، ۲۰۲۱). ویژگی‌های کلیدی حساب‌های سرمایه‌گذاری مضاربه، شامل موارد زیر است:

- تمام حساب‌های سرمایه‌گذاری مضاربه بر مبنای مشارکت در سود کار می‌کنند و مؤسسه تأمین مالی اسلامی^۱ اساساً به‌عنوان مدیر سرمایه‌گذاری عمل می‌کند.
- ریسک سرمایه‌گذاری نزولی فقط متوجه سرمایه‌گذار است.
- هر دارایی که توسط مؤسسه مالی اسلامی مرتبط با حساب به‌دست می‌آید، در نهایت، در مالکیت سرمایه‌گذار است و بازده و سود آن بر اساس توافق، از قبل تقسیم می‌شود (فایاد^۲، ۲۰۲۳).

دو نوع رایج حساب سرمایه‌گذاری مضاربه وجود دارد:

- محدود: که نوع فعالیت تجاری، زمان و مکان آن توسط سرمایه‌گذار تعیین می‌شود،

و

- نامحدود: که در آن سرمایه‌گذار شرطی برای مدیریت آن وجوه تعیین نکرده است (میرانی و همکاران، ۱۴۰۲). ماهیت حساب‌های سرمایه‌گذاری نامحدود^۳ به این معناست که طبق برخی استانداردهای حسابداری اسلامی، به‌عنوان شبه‌شکلی از حقوق صاحبان سهام در نظر گرفته می‌شود (مانند استاندارد شماره شش سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و معادل آن‌ها). این واقعیت که هر گونه

1. Islamic finance institutions (IFIs)

2. Fayyad

3. Unrestricted investment accounts (URIA)

زیان در سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذار متحمل می‌شود، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذار در اصل نوعی مدعی باقی‌مانده یا سرمایه‌گذار سهام است. با وجود این، اگر ثابت شود که مؤسسه مالی اسلامی سهل‌انگاری می‌کند، ضرر می‌تواند متوجه مؤسسه مالی اسلامی شود و مؤسسات مالی اسلامی به‌طور فزاینده‌ای ضمانت «تخطی یا حذف» را به مشتریان ارائه می‌دهند. این امر، جزئی از الزام‌های تجاری است که مؤسسات مالی اسلامی برای حفظ جایگاه خود در رقابت‌های بین‌المللی برای اطمینان از ارائه سود هموار، به مشتریان با جذب ضرر از حساب‌های سرمایه‌گذاری نامحدود انجام می‌دهند. این مسئله به نوعی از مسئولیت اشاره دارد که بی‌شبهت به سپرده‌های معمولی در حسابداری متداول نیست.

هرچند استاندارد حسابداری بین‌المللی خاصی برای مضاربه طراحی نشده است، از نظر ماهیت شباهت‌هایی بین مضاربه با روال متداول وجود دارد:

۱. در عمل، بانک‌های اسلامی در بیشتر کشورها، سرمایه‌گذاری را به‌عنوان بدهی در صورت وضعیت مالی خود، خواه از استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی یا استاندارد حسابداری محلی، استفاده می‌کنند. اگرچه تعهد قراردادی بازپرداخت وجود ندارد، تعهد سازنده ناشی از رویه‌های ثابت و انتظاراتی نظارتی (قانونی بالادستی) وجود دارد. فقط مؤسسه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری که تحت استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی گزارش می‌دهند، تمایل دارند آن‌ها را در سطح میانی بین بدهی و حقوق مالکانه گزارش کنند.

۲. حساب‌های سرمایه‌گذاری مضاربه محدود، از بسیاری جهات بیشتر شبیه یک تعهد مدیریت سرمایه‌گذاری خالص توسط مؤسسه مالی اسلامی است که به شرایط خاص تحمیل شده توسط سرمایه‌گذاران محدود می‌شود. از آنجا که مؤسسه مالی اسلامی به‌عنوان یک نماینده در مقام امانتداری برای حساب‌ها عمل می‌کند، چنین قراردادهایی «خارج از صورت وضعیت مالی» تلقی می‌شوند. ولی باید در صورت‌های مالی، اطلاعات بیشتری درباره این سمت از کسب و کار وجود

داشته باشد، زیرا باید در شریعت شفافیت باشد و افشای کامل لازم است (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰).

اندوخته تعدیل سود^۱ و ذخیره ریسک سرمایه گذاری^۲: طبق قوانین سختگیرانه شرعی، اگر از سرمایه گذاری مضاربه ضرری وارد شود، این مشتری سپرده گذار است که متحمل کل زیان می شود (میا^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). در عمل، در چنین شرایطی یا زمانی که سطوح کل سود پایین بوده است، همان طور که در زمان بحران مالی جهانی اتفاق افتاد، مؤسسات مالی اسلامی از سهم خود از سود صرف نظر کردند تا اطمینان حاصل کنند که سپرده گذار بازدهی قابل مقایسه ای در بازار دریافت می کند — حتی اگر اجبار قانونی برای این کار وجود نداشته باشد (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰). هیئت خدمات مالی اسلامی^۴ این ارائه بازده رقابتی را به عنوان «ریسک تجاری جایجا شده»^۵ توصیف می کند که درباره سرمایه گذاری اعمال می شود و یک مؤسسه مالی اسلامی با استفاده از ذخایری که از سود مضاربه کنار گذاشته شده است، به این اشتراک ریسک دست می یابد (طوری و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

ذخایر مشارکت در سود معمولاً دو نوع است:

- در ذخایر یکسان سازی سود، اندوخته ها قبل از اعمال تقسیم سود، از سود کنار گذاشته می شوند. معمولاً در چنین روالی، مؤسسه مالی اسلامی بخشی یا کل سهم خود از سود را رها می کند تا با بازده فعلی بازار، مطابقت داشته باشد.
- در ذخایر ریسک سرمایه گذاری، ذخایر از بخشی از سود تخصیص یافته به سرمایه گذاران کنار گذاشته می شود که تنها برای جذب زیان اصلی در طول یک دوره مالی، قابل استفاده است (طوری و همکاران، ۲۰۲۰).

حسابداری این ذخایر تحت استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی، به این بستگی

1. Profit-Equalisation Reserves (PERs)
 2. INVESTMENT RISK RESERVES (IRRs)
 3. Mia
 4. Islamic Financial Services Board (IFSB)
 5. Displaced Commercial Risk (DCR)
 6. Touri

دارد که آیا مؤسسه مالی اسلامی تعهدی به پرداخت به سپرده‌گذاران از ذخیره دارد یا خیر. در گزارش انجمن حسابداران خبره انگلستان^۱ در سال ۲۰۱۰، هماهنگ‌سازی گزارش‌های مالی اسلامی، درباره نحوه حسابداری اندوخته‌های تعدیل سود، ناسازگاری آشکاری وجود دارد. این موضوع بیشتر در نظرسنجی گروه تدوین استاندارد آسیا - اقیانوسیه^۲ منعکس شد، که نشان داد از بین پنج کشور در نظرسنجی که دارای استانداردهای حسابداری اسلامی بودند، اندونزی مجوز اندوخته تعدیل سود را نمی‌دهد، برخی از مؤسسات مالی اسلامی پاکستانی آن‌ها را در قالب بدهی‌ها در نظر می‌گیرند، و بقیه مطابق با استاندارد شماره یازده سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، آن‌ها را در حقوق مالکانه به حساب می‌آورند.

حسابداری اندوخته‌های تعدیل سود: یک نگرانی کلیدی درباره اندوخته‌های تعدیل سود، به‌طور خاص این است که پای سهم مؤسسه مالی اسلامی از سود در میان است. در نتیجه، عملاً ذخیره زیان مورد انتظار خواهد بود، و این به‌نوبه خود، به ناسازگاری در نحوه حسابداری مؤسسه مالی اسلامی در سراسر جهان برای اندوخته‌های تعدیل سود منجر شده است. بنابراین، در بین متخصصان این بحث وجود دارد که آیا طبق استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، این یک بدهی واقعی است، یا در واقع، صرفاً یک مسئله برای اعمال نظارت یا ارائه است (افندی و محمد توفیق^۳، ۲۰۱۹).

ابهام دیگری نیز درباره مفهوم اندوخته تعدیل سود وجود دارد: نحوه حسابداری برای این محصولات با نرخ متغیر چگونه است؟ (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰). میزان آگاهی سپرده‌گذاران درباره اینکه بانک‌ها سود آن‌ها را ذخیره می‌کنند و اینکه سود به چه کسانی می‌رسد. سپرده‌گذاران آینده یا سپرده‌گذارانی که سود به آن‌ها تعلق دارد، چه میزان است؟ (افندی و محمد توفیق، ۲۰۱۹).

اگرچه در رفتار حسابداری برای این نوع از ذخیره در سراسر صنعت ناهماهنگی وجود

1. The Association of Chartered Certified (ACCA)
 2. Asian-Oceanian Standards-Setters Group (AOSSG)
 3. Affandi & Muchammad Taufiq

دارد، رویه مشترک در مالزی این است که هر دو سهم به بانک تعلق دارد و سهم سپرده‌گذاران از سود بدهی حساب می‌شود (افندی و محمد توفیق، ۲۰۱۹).

اذعان شده بود که این رویه در نتیجه نیاز مؤسسات مالی اسلامی برای دستیابی به توانایی پرداخت سود به مشتریان در طی نوسان‌های چرخه‌ای بازار در دوره‌های سودآوری پایین، ایجاد شده است.

این روش لزوماً مفهوم اشتراک ضرر بر اساس شریعت الزامی را منعکس نمی‌کند و شاید بهتر باشد که به‌ویژه سهم مربوط به بانک به‌عنوان حقوق مالکانه (البته سهام منجمد) یا سود معوق، منعکس شود (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰).

با توجه به ناهماهنگی درباره اعمال برخی از الزام‌های استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مربوط به ذخایر، توافق کلی‌اشفای تکمیلی ماهیت و خطرات این ترتیبات بود. سازمان‌های نظارتی و قانونگذاری اسلامی، در حال بازنگری سازوکار اندوخته تعدیل سود بودند و این ذخایر در حال حاضر توسط بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی، با پیش‌بینی این دستورات عمل‌ها کاهش یافته است (افندی و محمد توفیق، ۲۰۱۹). ناهماهنگی در طبقه‌بندی اندوخته تعدیل سودها در بین صنعت، نشان‌دهنده اهمیت موضوع است که به راهنمایی واضح‌تری نیاز است (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰).

اجاره به شرط تملیک: نوعی لیزینگ مالی

ساختارهای مالی مبتنی بر اجاره، در صنعت مالی اسلامی بسیار رایج هستند. همانند قالب‌های سازوکار لیزینگ، قراردادهای اجاره نیز قالب‌های متنوعی دارند. اجاره فی‌نفسه لیزینگ عملیاتی است و در حسابداری در این مسئله، چه برای موجر و چه برای مستأجر، طبق الزام‌های استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۷^۱ اختلاف خاصی وجود ندارد (بلکام و مناکر، ۲۰۲۳^۲).

یکی از قالب‌های اجاره که توسط مؤسسات مالی اسلامی استفاده روزافزون دارد، اجاره

1. IAS 17

2. Belkacem and Menacer

به شرط تملیک (اجاره بت) است که مشابه قراردادهای اجاره خرید در حسابداری متداول و نوعی تأمین مالی لیزینگ است که بر مبنای استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، یک لیزینگ مالی تلقی می‌شود، زیرا مانند قرارداد خرید اجاره‌ای، خطرها و مزایای مرتبط با مالکیت دارایی، کاملاً به مستأجر منتقل می‌شود. بنابراین، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۷، دارایی توسط مستأجر به عنوان دارایی مالی ثبت می‌شود، در حالی که موجر (تأمین مالی کننده) اجاره‌بها و بهره مرتبط دریافتی را ثبت می‌کند (گاپتا، ۲۰۱۵). در مقابل، تحت استاندارد شماره ۸^۱ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، شکل قانونی قرارداد اهمیت زیادی دارد؛ به این معنا که مالکیت دارایی با موجر باقی می‌ماند تا زمانی که مالکیت قانونی در پایان دوره اجاره انتقال داده شود. در این صورت، مؤسسه مالی اسلامی مالک باقی می‌ماند و دارایی را به همان شیوه لیزینگ عملیاتی یا اجاره عملیاتی، در ترازنامه خود ثبت می‌کند. در امور مالی اسلامی، به‌نظر می‌رسد ویژگی برجسته این حقیقت است که اجاره عادی و اجاره به شرط تملیک، هر دو معاملات از نوع اجاره هستند که موضوع آن انتفاع از دارایی (یعنی حق برخورداری از دارایی برای کسی مالک آن نباشد) و نه تأمین مالی دارایی، همان‌طور که در مورد اجاره مالی وجود دارد. بنابراین، استدلال شده است با توجه به اینکه مالکیت قانونی نزد موجر باقی می‌ماند، برای اینکه حسابداری با اصل شریعت مطابقت داشته باشد، موجر حتماً باید دارایی اجاره‌ای را ثبت و ضبط کند — که نتیجه‌ای از رویه‌های تحت سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و سایر استانداردهای حسابداری مبتنی بر اصول اسلامی است (گاپتا، ۲۰۱۵).

برخی از متخصصان عقیده دارند موضوع کلیدی بحث درباره حسابداری قراردادهای اجاره، رجحان محتوا بر شکل است. بر اساس اصول شریعت، یک قرارداد معمولی اجاره با اختیار خرید، به دو قرارداد مجزا تقسیم می‌شود؛ یکی قرارداد اجاره عملیاتی و دیگری انتقال (فروش) دارایی (فیاد، ۲۰۲۳).

بر اساس استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی فعلی، اگرچه اجاره‌دهنده تعدادی از مسئولیت‌های مالکیت را برای خود حفظ می‌کند، در بیشتر موارد، رویه قراردادهای اجاره، با در نظر گرفتن کل قرارداد به سمت لیزینگ مالی گرایش دارد. برخی از متخصصان معتقدند این مناسب‌ترین روال است، زیرا دو بخش قرارداد به‌طور جدایی‌ناپذیری به هم مرتبط هستند و حسابداری آن‌ها به‌عنوان اجزای جداگانه می‌تواند به مهندسی مالی منجر شود (طیّبی و حجازی، ۲۰۱۰).

در خصوص استاندارد هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۱ با توجه به اینکه به رسمیت شناختن حق استفاده از یک دارایی در چارچوب اصول شریعت قرار می‌گیرد، تفاوت بین استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی و استانداردهای حسابداری مبتنی بر شرع کاهش می‌یابد. از طرفی، این استاندارد تفاوت‌ها را به‌خصوص اگر لازم باشد دارایی در صورت وضعیت مالی مستأجر تحت هر نوع قرارداد اجاره‌ای ثبت شود، گسترش می‌دهد. اعتقاد بر این است این محدوده ویژه‌ای است که در آن صنعت مالی اسلامی به انجام تحقیقات بیشتر نیاز دارد و باید مشارکت بیشتری با فرایند تنظیم استاندارد هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی باشد. در غیر این صورت، ممکن است صنعت با مشکلات گزارشگری قابل توجهی مواجه شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۷).

صکوک

از آنجا که معاملات صکوک همچنان نیروی محرکه مالی اسلامی در سطح جهان است، ضروری است گزارشگری مسائل مربوط به صکوک در سراسر حوزه‌های قضایی و در اصول پذیرفته‌شده حسابداری یکسان باشد. صکوک، ساختاری مشابه ساختار اوراق قرضه غیراسلامی دارد و نشان‌دهنده حق سهامدار نسبت به جریان‌های نقدی ناشی از منافع حاصل از دارایی مربوطه است (مرشد^۲، ۲۰۲۰).

شناسایی و ارزش‌گذاری صکوک

بر اساس استانداردهای حسابداری بین‌المللی شماره ۹ اوراق قرضه، در صورتی که دارایی با هدف نگهداری دارایی‌ها برای دریافت جریان‌های نقدی آتی تحصیل شده باشد، بر اساس بهای مستهلک‌شده شناسایی و پرداخت‌های اصل و سود، در تاریخ‌های مشخص شده توسط قرارداد تعیین می‌شود. در صورتی که دارایی با هدف خرید و فروش تحصیل می‌شود، دارایی‌ها به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان اندازه‌گیری می‌شود. در صورتی که دارایی با هدف نگهداری دریافت جریان‌های نقدی آتی و خرید و فروش تحصیل می‌شود، دارایی‌ها به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان جامع اندازه‌گیری می‌شود (مرشد، ۲۰۲۰).

در حسابداری اسلامی، طبقه‌بندی صکوک باید بر اساس ویژگی‌های قراردادی و ساختار آن انجام شود. در نتیجه، صکوک می‌تواند جزء اقلام خارج از صورت وضعیت مالی یا داخل آن باشد. در شناسایی اولیه، صکوک به میزان مبلغی که بابت آن پرداخت شده یا بایست پرداخت شود اندازه‌گیری و در مراحل بعد به ارزش منصفانه ثبت می‌شوند. چنانچه ارزش منصفانه به‌طور منطقی قابل تعیین نباشد، اندازه‌گیری به ارزش دفتری است که به بهای تمام‌شده یا بهای مستهلک‌شده محاسبه می‌شود (مرشد، ۲۰۲۰). نشانه‌های قوی وجود دارد که در عمل، بیشتر صکوک دارای پشتوانه دارایی^۱ (برخلاف اقلام مبتنی بر دارایی^۲) هستند. بنابراین، در اصل نوعی وسیله تأمین مالی هستند (طیبی و حجازی، ۲۰۱۰). بنابراین، سؤال کلیدی مطرح می‌شود که آیا باید فقط جریان‌های نقدی باشد که ثبت و ضبط شوند؟ با توجه به واقعیت تحول دادوستد صکوک، بسیاری از هیئت‌های نظارت شرعی^۳ و برخی از علمای برجسته بر این اصرار دارند که این ابزارها به‌جای معامله نگهداری شود. بازار صکوک نسبتاً نقدشوندگی پایینی دارد، که به‌نوبل خود سبب می‌شود

۱. Asset-Backed Sukuk: صکوک دارای پشتوانه دارایی، اوراقی است که بر اساس دارایی صادر می‌شود و

دارای حق رجوع به اصل دارایی است و نه بانی آن.

۲. Asset-Based Sukuk: صکوک مبتنی بر دارایی، اوراقی است که در آن بانی ارائه‌کننده دارایی ضمانت پرداخت

صادر می‌کند و دارای حق مراجعه به بانی دارایی می‌باشد

ارزش‌گذاری بر اساس قیمت استعلامی در یک بازار فعال مشکل باشد یا کمتر مربوط باشد و استفاده از ارزش دفتری مربوط بودن اطلاعات را کاهش دهد. در این شرایط، لزوم استفاده از جانشین‌ها برای اندازه‌گیری دوباره، موضوع لزوم استفاده از ابزارهای مبتنی بر بهره را به عنوان جانشین مناسب برای تعیین ارزش منصفانه، مطرح می‌کند (طیّبی و حجازی، ۲۰۱۰).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به گسترش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی در سطح جهانی از طرفی و همچنین اقبال عمومی به مدیریت دارایی توسط مالی اسلامی حتی در کشورهای غیرمسلمان از طرف دیگر، همگرایی رویه‌های مالی اسلامی و متداول به منظور سهولت بهره‌مندی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، تسهیل گزارشگری مالی مؤسسات مالی اسلامی در عرصه بین‌المللی، ایجاد سهولت در ارائه خدمات اسلامی توسط مؤسسات مالی متداول و تسهیل امکان رقابت بین مؤسسات اسلامی و رقبای متداولشان، امری ضروری و فوری است. برداشت‌های متفاوت از اصول شریعت بین کشورهای اسلامی، سبب شده استانداردهای تدوین‌شده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی در عرصه بین‌الملل کارایی مناسبی نداشته باشد. این امر به بروز مشکل در ایجاد همگرایی بین رویه‌های مالی اسلامی و منجر شده است. با توجه به این موارد، بر اساس پژوهش‌های انجام شده، در تمامی موارد امکان برطرف کردن مشکل نبود همگرایی و یا کاهش فاصله بین دو رویه، وجود دارد و باید اقدام‌هایی مانند موارد زیر انجام شود:

۱. یکی از علل مهم نبود همگرایی بین رویه‌های مالی اسلامی و رویه‌های متداول بین‌المللی، درک نکردن مفاهیم اسلامی توسط متخصصان مالی بین‌المللی و تبیین نامناسب مفاهیم مالی بین‌المللی برای اندیشمندان اسلامی است. برای نمونه، درباره مفهوم ارزش زمانی پول، معمولاً این مفهوم با مفهوم ارزش پولی زمان (که در اسلام ممنوع است) اشتباه تفسیر شده است؛ درحالی که کاربرد ارزش زمانی پول در اسلام ممنوع نیست (برای نمونه،

به کارگیری ارزش منصفانه و یا به‌روز شدن مبالغ مهریه) به کارگیری آن در مالی اسلامی منع شده است. در این گونه موارد، تشکیل کارگروه‌های مشترک بین‌المللی با حضور دانشمندان اسلامی و متخصصان مالی بین‌المللی می‌تواند مشکل نبود همگرایی را کاهش دهد و حتی در مواردی آن را برطرف کند. این کارگروه‌ها باید در کوتاه‌مدت راهنماهایی برای به کارگیری استانداردهای بین‌المللی برای امور اسلامی تدوین کنند و در بلندمدت نیز با تدوین استانداردهای مجزا برای به کارگیری در موضوعات اسلامی، موضوع نبود همگرایی را حل کنند.

۲. در برخی از موارد مانند اجاره به شرط تملیک و مضاربه، تفاوت‌های زیادی بین مالی اسلامی و مالی متداول وجود دارد که علت آن تفاوت تأکید اسلام بر افزایش افشا، محافظه‌کاری و تفاوت برداشت در رجحان محتوا بر شکل است که این امر به بررسی دقیق نیاز دارد. انجام تحقیقات بیشتر و عمیق‌تر در مؤلفه‌های بنیادی و زیربنایی این مفاهیم سبب می‌شود تا با کاهش نبود همگرایی، از بروز معضلات گزارشگری قابل توجه برای صنعت مالی جلوگیری شود.

شایان ذکر است، مسائل اندازه‌گیری و شناسایی در مالی اسلامی با مالی متداول متفاوت است و موضوع افشا و در نتیجه شفافیت درباره نحوه ثبت تراکنش‌های مالی اسلامی از دیدگاه گزارشگری شرکتهای اولویت اصلی دارد. با وجود این، باید ابعاد موضوع بیشتر بررسی شود. برای مثال، بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی که طبق استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی گزارش می‌دهند، حساب‌های سرمایه‌گذاری نامحدود را به‌عنوان بدهی شناسایی می‌کنند و این امر به ایجاد تفاوت‌های زیاد بین رویل مالی اسلامی با رویه متداول منجر می‌گردد. در رویه مالی اسلامی با شناسایی نکردن بدهی، اطلاعات کمی در دسترس استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قرار می‌گیرد که سبب بروز مشکل در مقایسه با عملکرد مؤسسات مالی اسلامی با هم‌تایان غیراسلامی درباره این حساب‌ها می‌شود. در نتیجه، سودمندی تصمیم‌گیری اطلاعات مالی برای کاربران کاهش می‌یابد.

۱. همگان بر این باورند که برای رقابت‌پذیری مؤسسه مالی اسلامی با هم‌تایان غیراسلامی

خود، گزارش‌های مالی آن‌ها باید قابل مقایسه باشد. این امر به مؤسسات مالی اسلامی این امکان را می‌دهد که برای منابع مالی یکسان رقابت کنند و تحلیلگران را قادر می‌سازد تا آن‌ها را در برابر مؤسسات مالی غیراسلامی و در برابر سایر مؤسسات مالی اسلامی در حوزه‌های قضایی مختلف، مقایسه و رتبه‌بندی کنند. اگرچه استانداردهای گزارشگری مالی خاص مانند استانداردهای منتشر شده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی می‌تواند به ویژگی‌های منحصر به فرد مالی اسلامی بپردازد، برای رشد آتی مالی اسلامی بسیار مهم است که در بین همه سهامداران از طریق به کارگیری مداوم استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی اطمینان معقولی ایجاد شود.

خلاصه موارد و موضوعات عدم همگرا بین استانداردهای حسابداری بین‌المللی و استانداردهای مالی اسلامی، در جدول زیر ارائه شده است:

عنوان موضوع	وضعیت امکان تطابق حسابداری اسلامی با استانداردهای بین‌المللی
ارزش زمانی پول	با توجه به اینکه در مواردی استفاده از ارزش زمانی پول بر اساس فقه اسلامی مجاز است، با توسعه تحقیقات اسلامی و مطالعه دقیق‌تر، امکان همگرایی بیشتر وجود دارد
رجحان محتوی بر شکل	با بررسی فتاوی مراجع تقلید و موضوعات مطرح شده در منابع اسلامی می‌توان دریافت که رجحان محتوا بر شکل در امور اسلامی، سابقه‌ای طولانی دارد و در قراردادهای اسلامی صورت و قالب عقود به منظور حفظ ماهیت است و در صورتی که اثبات شود که در رویه‌های مالی متداول ماهیت‌های مورد تأیید اسلام رعایت می‌شود، استفاده از آن‌ها بلا مانع است. بنابراین، در این موضوع همگرایی بیشتر امکان‌پذیر است و باید در موضوعات مورد اختلاف، مبانی و مفاهیم زیرمجموعه به دقت تبیین و تفسیر گردد تا با ایجاد درک مشترک، موضوعات اختلافی حل شود.
حساب‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری مضاربه	در این خصوص، تطابقی با استانداردهای حسابداری بین‌المللی وجود ندارد، ولی با توجه به نتیجه تحقیقات و بررسی ماهیت حساب‌های مضاربه، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت حساب‌های مضاربه مشابه حساب‌های متداول است و با انجام تحقیقات بیشتر روی اهداف به کارگیری این حساب‌ها و بررسی مبانی تأکیدی اسلام درباره در دسترس بودن اطلاعات برای ذینفعان، به کارگیری رجحان محتوا بر شکل و سایر اصول مشابه به صورت یکپارچه و از طرفی، بررسی فتاوا و اصول به کار گرفته شده در این خصوص، مانند انواع ذخایر جهت هموارسازی سود، می‌توان به درک مشترکی از ماهیت و نحوه استفاده از این حساب‌ها رسید که به کاهش فاصله و ایجاد همگرایی بیشتر در این خصوص منجر خواهد شد.

<p>بر اساس الزام‌های اسلامی، اجاره به شرط تملیک بر اساس اصل رجحان محتوا بر شکل، مشتمل بر دو معامله است (اجاره و خرید) و به جهت رعایت اصل افشا، باید قبل از اتمام قرارداد اجاره، در قالب اجاره عملیاتی ثبت شود، ولی با توجه به محتوای این نوع اجاره و انتقال منافع و کنترل به مستاجر، شباهت زیادی به اجاره مالی دارد. در این خصوص، با تحلیل بیشتر موضوع و وضع قوانین و لحاظ شروط تکمیلی، می‌توان همگرایی بیشتری با استانداردهای حسابداری بین‌المللی ایجاد کرد. در این خصوص، به تحقیقات بیشتری نیاز است.</p>	<p>اجاره به شرط تملیک</p>
<p>با توجه به اینکه در بسیاری از موارد، صکوک برای استفاده از جریان‌های نقدی آتی نگهداری می‌شود، نحوه شناسایی سود و زیان زمانی که بازار مناسبی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه وجود ندارد، در استانداردهای اسلامی به‌خوبی تدوین نشده است. در این خصوص، با توجه به اینکه بر اساس اصول اسلامی می‌توان از جانشین‌ها و ابزارهای جایگزین استفاده کرد، باید موضوع استفاده از جانشین‌ها و ابزارهای جایگزین بیشتر بررسی گردد و تحقیق بیشتری در اینخصوص لازم است.</p>	<p>صکوک</p>

پیشنهادها

پیشنهادهای اجرایی زیر به‌منظور دستیابی به همگرایی بیشتر گزارشگری مالی برای محصولات و خدمات مالی اسلامی توسط مؤسسات مالی اسلامی و بانک‌های متداول که پنجره‌های مالی اسلامی را ارائه می‌کنند، قابل‌ارایه است:

۱. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی باید ارائه راهنمایی درباره کاربرد استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را در هنگام حسابداری برخی از محصولات مالی اسلامی، در دستور کار قرار دهند.
۲. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی باید مجموعه واحدی از این استانداردها را حفظ کنند که به‌طور مداوم توسط همه نهادها — صرف‌نظر از اینکه مؤسسه مالی اسلامی هستند — اعمال شوند.
۳. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی باید ارائه راهنمایی درباره افشای اضافی را که می‌تواند به نفع ذینفعانی باشد که به‌دنبال اطلاعات درباره عملیات مطابق با شرع واحد تجاری هستند، در دستور کار قرار دهد.
۴. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی باید با سازمان‌هایی مانند سازمان

حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و سایر نهادهای مالی پیشرو اسلامی برای تسهیل تجزیه و تحلیل شکاف بین استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی و استانداردهای رایج حسابداری اسلامی، از جمله چارچوب های فراگیر و ارزیابی نیازهای کاربران، همکاری کند. همچنین، باید اصطلاحات / نام گذاری استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی بازبینی و این موضوع در نظر گرفته شود که آیا اصطلاحات حساسی مانند «بهره» را می توان اصلاح یا چیزی به آن اضافه کرد.

۵. با توجه به وجود تفاوت دیدگاه ها بین اندیشمندان مسلمان درباره مفاهیم مالی (به ویژه موارد مذکور در این پژوهش) ایجاد وحدت رویه در سیستم های اسلامی و تصویب اصول اولیه برای استفاده در تمامی کشورهای اسلامی و بهره گیری از آن ها برای ایجاد هماهنگی بین مالی اسلامی و مالی بین المللی، ضروری است.

۶. صنعت مالی اسلامی با تشکیل یک گروه مشاوره متخصص، از جمله محققان، از حوزه های قضایی مختلف، حمایت فوری از هیئت استانداردهای حسابداری بین المللی ارائه دهد. در این فضا، این گروه می تواند به روند تدوین استانداردهای جدید و انجام بررسی جامع کمک کند و یا به طور متناوب، توصیه های موقتی را ارائه دهد.

۷. درک نیاز به شفافیت و تفاهم بیشتر، به ویژه برای جامعه سرمایه گذاران، انجام و تداوم آموزش و اطلاع رسانی بیشتر توسط صنعت مالی اسلامی، لازم است. ارائه دهندگان مدارک حرفه ای و دوره های دانشگاهی، باید به ارتباط مالی اسلامی با برنامه های درسی و اعضای خود توجه کنند.

۸. صنعت مالی به تعامل بیشتر با ناظران محلی برای درک انتظارات آنها از گزارشگری مالی و افشای ابزارهای مالی اسلامی نیاز دارد.

منابع

پول و گستره کارکرد آن. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۵ (۲۸)، ۱۲۵-۱۵۰.

رجبی مقدم، داود، مهربان پور، محمدرضا، غلامی جمکرانی، رضا، کاشانی پور، محمد و میثمی، حسین. (۱۴۰۰). اقتصاد اسلامی و شناسایی مؤلفه‌های افشا در گزارشگری مالی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۱ (۸۴)، ۱۶۷-۱۸۸.

رحمان، شادیه و صالح‌نژاد، سیدحسن. (۱۳۸۴). استانداردهای حسابداری اسلامی. *پیک نور- علوم انسانی* (ویژه مدیریت)، شماره ۳، ۱۲۱-.

مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا، حسینی، سیدعلی و رام روز، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی حساب‌های سرمایه‌گذاری محدود شده و محدود نشده از منظر حسابداری اسلام. *بررسی‌های حسابداری*، ۲ (۸)، ۹۲-۷۱.

میرانی، عبدالعزیز، رهنمای رودپشتی، فریدون، موسویان، سیدعباس، معدنچی زاج، مهدی و ضیائی، محمد عادل. (۱۴۰۲). ارزیابی و تحلیل تطبیقی اوراق مضاربه براساس موازین فقه شافعیه و امامیه، *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۶ (۵۸)، ۱۷-.

- Affandi, M, T. (2019). Profit Equalization Reserve and Investment Risk Reserve: Issues and its Application. *Islamic Economics Journal*. (5). 295.
- Aljedaibi, T. (2014). =Fair Value Measurement and Islamic Financial Institutions: The shariah perspective and the case of Saudi Banks [Doctoral dissertation, University of London]. London.
- Apriantoro, M. S., & Rosyadhi, R. I. (2023). *The Concept Time Value of Money from the Point of View of Islamic and Conventional Finance*. *Li Falah: Jurnal Studi Ekonomi dan Bisnis Islam*, 8(1), 47-55.
- Baber, H. (2018). How crisis-proof is Islamic finance? : A comparative study of Islamic finance and conventional finance during and post financial crisis. *Qualitative Research in Financial Markets*, 10(4), 415-426.
- Belkacem, O., & Menacer, A. (2023). Ijara Muntahia Bittamleek “LEASING” as A New Financing Tool to Support & Develop Small Enterprises in Algeria: Evidence From Al Salam Bank, *Management and Development for Research and Studies*, 12(1), 723-742.
- CANBULUT, G. (2023). *Investment Decision Support System Using Credibility Analysis With Fuzzy Interest Rate*. *Journal of Turkish Operations Management*, 7(1), 1596-1604.
- Ebrahim, A. & Abdelfattah, T. (۲۰۲۱), The substance and form of Islamic Finance instruments: an accounting Profit-Equalisation Reserves spective. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 12(6), ۸۷۲-۸۸۶
- Fayyad, M. (2023). Reconstructing lease-to-own contracts: A contemporary approach to Islamic banking standards. *Heliyon*, 9(9).
- Gupta, N. (2015). Differences in accounting treatment of Ijarah: a case study of UAE Islamic banks. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 8(3), 369-379.
- Hamour, M., Shakil, M. H., Akinlaso, I. M., & Tasnia, M. (2019). Contemporary issues of form and substance: an Islamic law perspective. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 11(1), 124-136
- Mia, R.M., Hasnat, A.M & Mahjabeen, W. (2016). Mudharabah and Musharakah from

- the accounting Profit-Equalisation Reserves spective by referring to AAOIFI, IFRS and MFRS, *Journal of Business and Management*, 18,67-72
- MORSHED, A. (2020). Applying IFRS9 with Sukuk by IFRS's Compliant Firms. *International Journal of Islamic Economics and Finance Studies*, 6(3), 318-335.
- ..Mulyany, R., & Mohd Ariffin, N. (۲۰۱۸). Islamic Finance and the Convergence towards International Financial Reporting Standards (IFRS): The State of Research Development. *Journal of Accounting Research, Organization and Economics*. ۱. ۸۵-۹۷.
- Rammal, H.G. (2003). *Mudaraba in Islamic Finance: Principles and Application Business Journal for Entrepreneurs*, 16(4), 105-112
- Shaukat A, (2017). Development of Islamic Accounting Theory: Principle of Shahadat (Testimony)-Second Principle, *International Review of Business Research Pa Profit-Equalisation Reserves*. 3(3), 56-68
- Shibly, A., (2018), Conventional and Islamic Profit-Equalisation Reserves spective in Accounting: Potential for Alternative Reporting Framework, *International Journal of Economics and Management Engineering*, 12 (2), 244-247
- Sharairi, M., (2021). ISLAMIC ACCOUNTING STANDARDS VS INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARDS. *Academy of Strategic Management Journal*. 20. 1-14.
- Tarigan, E., & Mawardi, W. (2024). Time Value Analysis of Money in Investment Decision Making: Discounted Cash Flow (DCF) Vs Monte Carlo Method. *Indonesian Interdisciplinary Journal of Sharia Economics (IJJSE)*, 7(1), 1390-1402. Retrieved from <https://e-journal.uac.ac.id/index.php/ijjse/article/view/4242>
- Tayyebi, A & Hijazi, S . (2012). *Global alignment: bringing consistency to reporting of Islamic finance through International Financial Reporting Standards*. <https://www.accaglobal.com/content/dam/acca/global/PDF-technical/financial-reporting/pol-afb-gabc.pdf>
- Tayyebi, A & Hijazi, S . (2010). *Harmonising financial reporting of Islamic finance*. <http://www.accaglobal.com/content/dam/acca/global/PDF-technical/financial-reporting/tech-afhfrif.pdf>
- Touri, O., Ahroum, R. & Achchab, B. (2020). Management and monitoring of the displaced commercial risk: a prescriptive approach. *International Journal of Emerging Markets*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print